مهمانی خدا در زمین

شهید کاظمی به روایت همرزمان

بسیاری از پدیده های دوران دفاع مقدس ، بی بدیل و از جهاتی شگرف و تکرار ناشدنی هستند ، زیرا به لحاظ کالبدی ، فضایی در مقطع جنگ هشت ساله ایجاد شد که علل وقوع آن در بستر تاریخ تفکر سیاسی ، اجتماعی شیعه و اتفاقاتی که در صحنه روابط بین الملل در اواخر قرن بیستم و فراز و نشیب هایی که در روند تحولات اجتماعی قرن اخیر رخ داد ، قابل جستجوست .

فرماندهان دوران دفاع مقدس به اقتضای شرایط زمانی و مکانی و سطح و شکل آموزه های دینی ، گاه از مسیر عشق عبور می کردند و گاه از راه عقل و البته باید گفت : شخصیت آنان ، الهام گرفته از منش و تفکر حضرت امام خمینی (ره) بود .

شهید " احمد کاظمی " در زمره فرماندهانی بود که به نحو بارزتری از تعلیمات عرفانی مبارزه مبتنی بر اندیشه امام راحل به درستی بهره گرفت و حماسه های تاریخی آفرید . فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران اذعان دارند " احمد کاظمی " از یک سو در برابر توده های بسیجی متواضع و کاملا آشتی پذیر بود ، لیکن آنگاه که آتش جنگ و دفاع و شبیخون دشمن شعله ور بود ، بسیار سرسخت و آشتی ناپذیر ظاهر می شد .

او نه تنها در آن سوی جبهه که در این سو نیز بر پایه عهد و پیمانی که تنها با خدای خود بسته بود ، درجریان تصمیم سازی و تصمیم گیری های عملیاتی بی دلیل انعطاف نشان نمی داد . تجزیه و تحلیل این تضاد رفتاری ، تماما در چهارچوب فضای مدیریتی خاص زمان جنگ امکان پذیر می شود .

بی شک می توان گفت : این شیوه مدیریتی در درجه نخست برای راویان و در مراحل بعد برای اندک نزدیکان " احمد کاظمی " ، قابل فهم و درک بوده است . او به همان شدتی که در برابر پایین دستان رزمنده و بسیجی ، نرم خو ، ملایم و حمایت گر بود ، در هنگامه بحث و مجادله بر سر طرح های عملیاتی و انتخاب ، فلش حمله علیه دشمن بعثی ، سرسختانه ، قاطع و غیر احساساتی رفتار می کرد و پس از ساعت ها شناسایی شخصی و مستقیم منطقه هدف تهاجم و احتجاج با دیگر فرماندهان و رده های مافوق ، آنگاه که پای در کارزار می نهاد ولوله به راه می انداخت و ستون به ستون دشمن را متزلزل می ساخت تا جایی که حتی دشمن به فغان می آمد و زبان به اعتراف می گشود . او به دلیل همین ویژگی های منحصر به فردش ، بارها قبل از هر عملیاتی ، اعتراض ها و انتقادهای زیادی را به خود معطوف می کرد ، ولی در پی کسب احساس تکلیف و تشخیص برای اقدام به موقع ، وقتی کاروان لشکرش را به راه می انداخت و در خطوط اول جبهه ؛ چه در پهن دشت جنوب و چه در قلل مرتفع و دره ها و یال های غرب کشور و چه در پشت خاکریزها آماج گلوله های مستقیم تانک که مثل رگبار تیر اجرای آتش می کردند قد می افراشت ، روحیه ای سرشار از موفقیت و ظفرمندی به سراسر اردوگاه خودی تزریق می نمود . " احمد " در راستای مسئولیتی که در برابر رزمندگان بسیجی داشت ، در روزهای باقیمانده به عملیات ، کلیه واحدهای ستادی و پشتیبانی را از نزدیک بازدید می کرد و از جمله برادران بهداری را به شرکت دادن بیشتر پزشکان در خط و برادران مهندسی را به احداث به موقع خاکریز و سنگر و ... توصیه اکید می نمود و سپس شخصا برای کسب اطلاع از میزان پیشرفت این امور ، حضوری پر مخاطره در خطوط مقدم پیدا می کرد . سادگی ، خلوص و تواضع و فروتنی او باعث شده بود در قلب رزمند گان و بسیجی ها جا داشته باشد . به همه جا سرکشی می کرد و با رده های پایین لشکر از مسئول تعمیرگاه گرفته تا مسئول حمام ، اسلحه خانه ، بسیجی ها تا گردان و ...حضورا نشست و برخاست داشت . هرکس با او برخورد می کرد ، شیفته مرام و اخلاق و ادب و حجب و حیای او می شد . روحیات بسیجی و خلق و خو رفتار و سخنانش ، امکان ارتباط با نیروهای بسیجی را به خوبی برایش فراهم می ساخت و به خوبی بر نیروهای مردمی فرماندهی می کرد . اگر زندگی فرماندهان شهید لشکرها چون " احمد کاظمی " ، "مهدی باکری " ، "حسین خرازی" ،همت وزین الدین عمیقا بررسی شود ، همه به این واقعیت مسلم ایمان می آوردند که این فرماندهان ، استادان بزرگ فن جنگ هستند و قطعا در راس همه آنان ، " احمد کاظمی " در قامت یک فرمانده نیرو که حیات مبارک او شانزده سال پس از جنگ ادامه پیدا کرد ، در این فن از سرداران جاودانه تاریخ است .

کوبیدن دشمن برای تحمیل اراده خود بر دشمن و متقاعد کردن دشمن به نحوی که در برابر این فرمانده توانمند و نابغه در میدان جنگ نمی توان تاب مقاومت آورد ، از " احمد کاظمی " بر می آمد و بس . وی پدیده ای بود که دیگر ممکن نیست به آسانی نظیر او به وجود آید .

شهید "کاظمی " و لشکر هشت نجف قهرالهی بودند که بر سر دشمن بعثی فرود می آمدند و خداوند " احمد کاظمی " و لشکر هشت نجف را برای کیفر دادن به سربازان متجاوز به ایران اسلامی فرستاد .

" احمد" با صداقت و خلوص و شجاعت و تدبیری بی مانند ، خویشتن را در خدمت به ولایت و اسلام و مسلمین و ایران اسلامی مستحیل و ذوب کردو ۲۸ سال خستگی ناپذیر و بی وقفه در قالب یک فرمانده مجاهد و عارف کوشید . عشق و خدمت به ولایت و نظام اسلامی و ایران بر روح او مسلط بود .

فعالیت های فکری ، هوش ، تحرک فوق العاده و گرایش دایم برای کوبیدن دشمن در هر نقطه و مکانی از خطوط برجسته " احمد کاظمی " بود .

" شهید کاظمی " به اعتقاد تمام فرماندهان و صاحب نظران نظامی ، برجسته ترین تاکتیک دان (پیروزی در نبردها) و هم استراتژیستی خبره بود و تشخیص های صحیح راهبردی داشت . مثل شهید " مهدی باکری " کم حرف می زد ولی زیاد عمل می کرد . " مهدی " ، " حسین " و " احمد " اهل اظهار نظرهای مبسوط نبودند و در جلسه ها ، تطول کلام نداشتند .

خیلی خلاصه اظهار نظر می کردند و حرف می زدند و اغلب خاموش بودند امام علی (ع) در وصف یکی از برادران دینی خود در نهج البلاغه می فرمایند : بیشتر روزگار خاموش بود و اگر می گفت ، غلبه می کرد و تشنگی پرسندگان را فرو می نشاند، " کاظمی " هم مثل " مهدی " ، مصداق این فرمایش مولی امیر المومنین بود .

هرگز مشتی و دستی و شلاقی بر سربازانش در میدان نزد، بلکه رزمنده اش را با تشویق و افتخار و معنویت و ادب و شجاعت به جنگ وا داشت و سربازان وقتی اراده آهنین و صلابت روح و شجاعت و ادب " احمد " را در میدان جنگ می دیدند ، برای پیشروی و حمله به دشمن ، سر از پا نمی شناختند .

جنگ های "احمد " همه از روی اسلوب و قاعده بود .

حرکاتش سنجیده و با اصول و قواعد فن نظامی تطبیق داشت و درست ترین تاکتیک را در صحنه رزم پیاده می کرد و بسیاری از سرداران قادر نبودند به گرد پای " احمد" هم برسند و از این به بعد باید بکوشند درخشان ترین عملیات جنگی خود را از او تقلید کنند .

" احمد " به خوبی نقشه جغرافیایی را می شناخت و از همه افراد یگان هایش بهتر از نقشه استفاده می کرد . با این حال هیچ وقت به نقشه جغرافیایی محدود نمی شد ، چشم از نقشه بر نمی داشت و به زمین عملیات پا می گذاشت . پیش و پس از پرداختن به نقشه ، زمین را که توجیه می شد و فرماندهان تحت امر را که توجیه می کرد ، افراد را تهییج می کرد ، با خطابه اش هیجان به جان رزمندگان می ریخت . فرمان صادر می کرد ، " یازهرا " و " یاحسین " می گفت .

به نماز و دعا و قرآن متوسل می شد . اشک می ریخت، فریاد می زد و فرمان صادر می کرد و در نزدیک ترین نقطه به دشمن حاضر می شد و ستون های مهیب رزمندگان را به حرکت وا می داشت . در چنین شرایطی ، هیچ فرماندهی از دشمن در برابر نیروهای پرشور " احمد " ، تاب مقاومت نداشت چون بر توپخانه، ادوات زرهی ، مکانیزه ، پیاده ، لجستیک ، اطلاعات و عملیات و ارتباطات مسلط بود و به همه فرمان های دقیق می داد . از آتش توپخانه و ادواتش به بهترین شکل استفاده می کرد و به شدیدترین وجه ممکن علیه دشمن آن را به کار می گرفت . " احمد کاظمی " نه جنگ کلاسیک را که برای دشمن شناخته شده بود ، پیاده می کرد و نه واحدش را در دسته های کوچک پراکنده می کرد و عملیات چریکی و نامنظم می کرد ، بلکه شیوه جدیدی که در سپاه به تکامل رسیده بود به کار می بست . جنگ انقلابی و مردم با لشکر ، با تاکتیک های جدید و نو به نو و آرایش های فشرده و تازه که دشمن را بی اندازه آسیب پذیر می کرد . " احمد کاظمی " و لشکرش ، شمشیر برنده فرمانده کل سپاه ، در جنگ بود و تاکتیک ویژه و سر اصلی نبرد و طرز رسیدن به هدف اصلی را فرمانده کل سپاه با دو ، سه فرمانده در جنگ از جمله " احمد " به نتیجه می رساند .در پایان آنچه باید به عنوان قطره ای به این قطرات بازگو شده از سرگذشت " احمد کاظمی " اضافه کرد ، این است که وی ، چریک ، رزمنده ، فرمانده و مومن با بصیرتی بود که همیشه در وضعیت فعال وارد حوادث تاریخی می شد و در این حالت و با این ویژگی بود که به وقایع پیش روی انقلاب اسلامی می نگریست.

او مانند همتای خود ، " حسین خرازی " در نگاه اولیه و سطحی ، جزو فرماندهان عمل گرایی به شمار می رفتند که در هشت سال دفاع مقدس با ظرفیتی بسیار عالی در حیطه مسئولیت نظامی خویش گاهی در مقیاس ملی اقدام می کردند و گاه با تاکید بر جغرافیای تاسیس لشکر تحت فرماندهی خود به تجزیه و تحلیل مسائل با عینک محلی و تصمیم گیری برای نمایش مسئولیت و ایمان در محدوده شهری و زادگاهی شان مجبور می شدند . طبیعی است در چنین فضایی تناقض نما (پارادوکس گونه) و بنا بر تاثیرات ذاتی جنگ و دفاع ، کمابیش رفتار آنها رنگ پراگماتیسم به خود بگیرد و ناظران خارج از حوزه های عملیاتی و حیطه های نظامی و لشکری را به قضاوت های غیر منصفانه و بیراهه سوق دهد ، اما همان گونه دچار آفت های پراگما تیستی نشد و نظام تنبیه و تشویق خود و دیگران جز رضایت حق و سربلند نگاه داشتن پرچم دین ، ارزش دیگری را موجد و منشاء نمی پنداشت .

آرشیو

نماز و چراهای آن

اهداف آموزشی :

۱ - آشنایی با فلسفه ، حقیقت و اهمیت نماز

۲ - بیان آثار نماز بر نمازگزار

۳ - شناخت ریشه ها و علل بی توجهی به نماز

۴ - شناخت و بیان راهکارهای درمان بی توجهی به نماز

از بهترین و عالی ترین اعمال دینی ، امر نماز است که اسلام به آن توجه زیادی کرده است و برای آن آثار و فواید زیادی در آیات و روایات مطرح نموده است ، اگر چه عبادت در تمام ادیان آسمانی وجود دارد ؛ اما بهترین و زیباترین نوع عبادت همین نمازی است که در اسلام به شکل و کیفیت خاص آمده است و مسلمانان دعوت به خواندن آن شده اند .

نماز مصداق اکمل عبادت است :

در قرآن کریم فلسفه حیات و خلقت ، عبادت خدای تعالی بیان شده است و در حقیقت هدف از خلقت انسان تکامل و رشد الهی و اخلاقی وی است که در این راستا نماز موثرترین نقش را ایفا می کند زیرا کامل ترین نوع عبادت خداوند ، نماز است اما با این همه توجه اسلام به عبادت مخصوصا نماز و بیان آثار و اهمیت نماز در کتب درسی سطوح مختلف (از ابتدایی تا دانشگاه) و حتی در رسانه های مختلف و یا برگزاری نماز در محیط های تحصیلی و کاری باز هم دیده می شود که عده ای از مسلمانان به ویژه نسل جوان و نوپای امروزی علی رغم اعتقاد به خدا ، پیغمبر (ص)، ائمه اطهار و دین متاسفانه به امر نماز توجه ندارند و آن را به راحتی ترک و یا به موقع انجام نمی دهند و در حقیقت بر خلاف اعتقادات خود عمل می کنند . لذا در این مقاله که برگرفته از تحقیقی کاربردی در زمینه ریشه های بی توجهی به نماز می باشد سعی می شود تا علاوه بر بیان آثار ، اهمیت و فلسفه نماز ریشه های بی توجهی به نماز معرفی و سپس راهکارهایی برای اصلاح موضوع ارائه شود ، زیرا در این زمینه توسل به زور و اعمال قدرت نه تنها موثر نخواهد بود ، بلکه اثرات منفی به دنبال دارد . شایان ذکر است ؛ در اینجا فقط به اهمیت و آثار نماز بر نمازگزار اشاره می شود .

به امید آنکه همه عاملان و مسببانی که موجب می شوند تا عده ای از مسلمانان به امر نماز بی توجهی کرده و یا حتی آن را ترک کنند و هم خود این گروه مسلمانان که به نماز بی توجهی می کنند در نگرش ها و رفتارهای خود تجدید نظر کنند و نماز را که مهمترین و کامل ترین نوع عبادت و بندگی خدای متعال است هر چه بهتر انجام دهند تا به شکوفایی و تکامل و رشد یافتگی الهی دست یابند انشاء ا...

برخی از فواید و آثار نماز :

نماز معنا دهنده و جهت دهنده به زندگی آدمی است .

نماز راز و نیاز و صحبت کردن با معبودیگانه است .

نماز پاسخ به حس پرستش آدمی و تشکر از خداوند است پرستش کنید (پروردگارتان را که شما را آفرید) .

نماز آرامش دهنده به روح و روان آدمی است

(الا بذکرالله تطمئن القلوب)

نماز درمان کننده افسردگی ها ، اضطراب ها، نگرانی ها ، ناهنجاری های رفتاری و اخلاقی است .

نماز جبران کننده ضعفها ، ناتوانی ها ، نقص ها و بی ارادگی های آدمی است .

نماز درمان خود پرستی، خودبزرگ بینی ، خودستانی، حسادت ، تملق و دیگر امراض روحی و روانی است .

نماز عامل رهایی انسان از بندهای شهوانی و دنیوی است

(ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر)

نماز عامل غفلت زدایی انسان است .

نماز سدی در برابر گناهان و بزهکاری های بشری است .

نماز موجب پرواز روح به اوج آسمان معنویت است

(یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک)

نماز عامل تقرب و نزدیکی به خداوند است و مانند کودکی که تا دست در دست پدر دارد احساس قدرت می کند ، نماز هم وسیله اتصال به خداوند و گرفتن قدرت از خداوند در برابر قدرتمندان و زورگویان است .

نماز سبب پرروش فضائل ، نیکی ها و ارزش ها در انسان و اجتماع است .

نماز عامل قبولی طاعات و عبادت های دیگر انسان است .

نماز موجب تقویت روح انضباط ، نظافت و وقت شناسی است .

نماز سبب عاقبت به خیری و رستگاری انسان است .

نماز به سبب انجام فرمان خداوند و برای یاد و رضای او است

جدول ..... (۳۹۱)

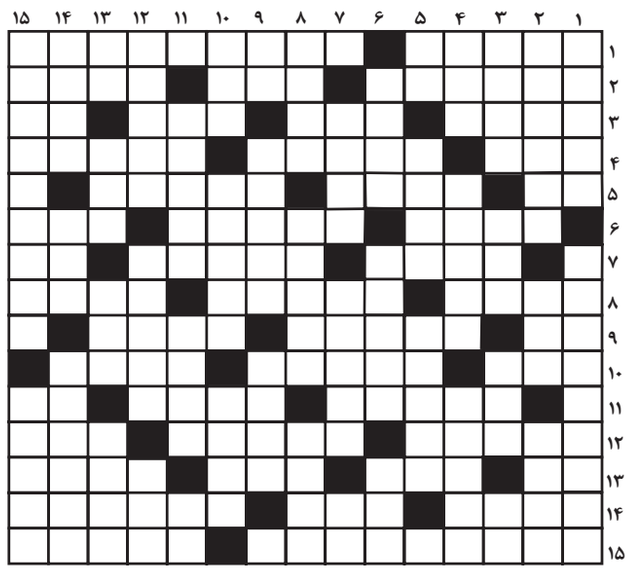

افقی

۱ - دشنام - نوعی پایکوبی و شادابی پر جنب و جوش غربی

۲ - داروی مشابه آتروپین که ترشح معده را باز می دارد - بیان حال - سولفید سرب

۳ - قهوه خانه - جعبه روباز جاسازی شده در داخل یک قفسه - درد چشم - گل سرخ

٤ - گمان - به جهان آمده - اتفاق و رویداد

٥ - نیروی بدنی - خدای مادینه در دین های غیر توحیدی - بی نظمی و هرج و مرج

٦ - از گل های خشبو - اختراع مارکونی - قلعه حکومتی

۷ - جامه پوشیده - انگشت شهادت - محل

۸ - بخشش و دهش - آنکه شایستگی لازم یا مورد نظر را ندارد - مبتلا

۹ - دیوانگی - ناراحت - سمت چپ

۱۰ - از نام های دیگر گیاه فیلگوش - در سفر چای را گرم نگه می دارد - نوعی ترشی

۱۱ - نگهبان چماق به دست - وسیله ها - از حروف انگلیسی

۱۲ - بختک - از دروس مدرسه - کلمه شرط

۱۳ - تصدیق بیگانه - گیاه سرشوی - مرده - لانه زنبور

۱٤ - نوعی تفنگ - آشکارا - واحد سنجش کمان و زوایه

۱٥ - اختلال ذهنی که با افسردگی و توهم و هذیان همراه است - راضی و خشنود

عمودی:

۱ - ازسیارات منظومه شمسی - نظریه منسوب به "ژان باتیست لامارک"

۲ - آنزیمی که اوره را به آمونیاک و انیدرید کربن تجزیه می کند- دشوار و سخت - دربندان و گرفتاران

۳ - تیره ای از پرندگان مهاجر - روش و روال راه - زیرزمینی -فنی در کشتی

٤ - امر به زدودن -رسانیدن پیغام - پوشش سر خانم ها

٥ - حرف ندا - دارای عنوان - تباهی ها

٦ - سخن پندآموز و سودمند - شکل طبیعی سیلیکات آلومینیوم که از خاک رس سخت شده تحت فشار تشکیل یافته است - دزدگیری

۷ - همسر زن - استان - سرخ کم رنگ

۸ - با "ادا" می آید - ماده معطر گیاهی - حشره کش قدیمی

۹ - عضو دست - تشریفات یک مراسم باشکوه - موثر

۱۰ - ماده بیهوشی - شبها - واحد حجم

۱۱ - عزیز و مورد احترام - پوست کن - کلمه درد

۱۲ - برادر - راهنمایی کردن - تیره

۱۳ - خداوند - دارو - خواب کوته - همسخن

۱٤ - میراث خوار - امیدواری - کیسه گرده در گیاهان

۱٥ - رسم منحنی شدت دامنه و جهت امواج زلزله - واحد شمارش کشتی .

مسافران بهشتی

آخرین خداحافظی اش بسیار ساده بود

نام و نام خانوادگی : علی بنوبندی رضایی
تاریخ تولد : ۱۳٤۰/۹/۱
تاریخ شهادت : ٦٥/۱۱/۷
یگان اعزام کننده : بسیج
کارمند : وزارت نیرو
محل دفن : گلزار شهدای بندرعباس

فرازهایی از وصیت نامه :

بارالهی گناهانم را جز تو آمرزگاری نمی دانم و زشتی های خود را جز تو پوشاننده ای نمی شناسم و پاره ای از کردار زشت خویش را بر تو تبدیل کننده خوبی نمی یابم

در مرحله اول باید بگویم و تقاضایی که از شما امت شهید پرور دارم این است که امام عزیز قلب تپنده تمامی امت اسلامی را هیچوقت حتی یک لحظه تنها نگذارید و قدر این دفاع مقدس و انقلاب را بدانید .

در مرحله دوم از پدر ومادر عزیزم ، گرچه می دانید در راه خدا کشته شوم دومین فرزند شما می باشم که قربانی شده ام ولی تقاضای من این است که به یاد امام حسین (ع) و علی اکبر حسین و یارانش در روز عاشورا که قربانی شدند ، باشید و برای من گریه نکنید و به یاد آن عزیزان باشید گرچه که فرزند خوبی برای شما نبودم و از دستورات شما سرپیچی نمودم و آنطور که باید فرزندی باشم ، نبودم . لذا از شما تقاضای حلالیت می کنم و شما را به صبر و تقوا دعوت می نمایم .

جای پای برادر ...

دو سال خدمت سربازی اش را در جبهه گذراند ، به همراه برادر خود در جبهه می جنگید تا از ارزش ها و اهدافشان دفاع کنند . هنوز شش ماهی از ازدواج من و علی نگذشته بود که برادرش به شهادت رسید و علی تصمیم گرفت تا به جبهه برود .

می گفت : من باید بروم و جای برادرم را پر کنم، نباید بگذاریم اسلحه او بر زمین بیفتد و نباید سنگرش خالی بماند، هر چه به او اصرار کردم که کمی صبر کن تا فرزندمان متولد شود راضی نشد

و گفت : تو و آن طفل معصوم را به خدایم می سپارم وظیفه سنگین تری هست که باید انجام بدهم .

مرد مسجد و خدمتگذار نمازگزاران

به خاطر ندارم نمازی را در خانه خوانده باشد ، همیشه در مسجد بود ، ماههای محرم و صفر که می شد به هیچ عنوان در خانه نمی ماند و شبانه روز در مسجد خدمت می کرد .

در دوران بارداری اصرار عجیبی داشت که حداقل روزی یکبار برای نماز به مسجد بروم ، علتش را که می پرسیدم می گفت : دوست دارم فرزندمان مسجدی باشد .

با اینکه وضعیت خوبی نداشتم اما او مرا با خود به مسجد می برد .

معتقد بود که رفتار مادر روی بچه تاثیر مستقیم دارد . برای همین دلش می خواست پسرمان اهل نماز و مسجد باشد و اکنون هادی مانند پدرش مرد مسجد و خدمتگذار نمازگزاران است .

استادی مهربان

در اوقات فراغت خود با حوصله خاصی در مسجد به افراد بی سواد خواندن و نوشتن می آموخت و برای کسانی که توانایی خرید نداشتند کتاب تهیه می کرد و در هر زمینه ای آنان را راهنمایی می کرد .

همسرم تمام فکر و ذهنش خدمت به جامعه و مردم بود و هرگز از تلاش برای آنان رویگردان نبود او استادی مهربان و با گذشت بود که آموخته های خود را خالصانه به دیگران یاد می داد .

گریه های معصومانه

روز آخری که می خواست برود بر خلاف دفعات گذشته که با یک خداحافظی ساده تمام می شد "هادی" پسرمان بدجوری بی تابی می کرد .

پای همسرم را گرفته بود و گریه می کرد همه تعجب کرده بودیم ، یک بچه یکساله چطور آنقدر دلبسته بود ! همسرم گفت : " فاطمه" بیا و "هادی" را از من جدا کن ! دیرم شده بسیج منتظره باید زود بروم . اما "هادی" دست بردار نبود او را در آغوش کشید و این بار "هادی" دستانش را دور گردن "علی" حلق آویز کرد و خود را به او چسبانید و شروع کرد به بابا گفتن ... بابا گفتنی که با گریه و ضجه بود و من و همسرم را منقلب ساخت همسرم طاقت نیاورد و هادی را با خود به مسجد برد تا وقتی آرام تر شد او را به دست پدر بزرگش بدهد .

"هادی" بغل کسی نمی آمد . لحظه خداحافظی در مسجد پدرم تعریف می کرد که هادی با ضجه از علی جدا شد انگار می فهمید پدرش را دیگر نمی بیند ... با گریه "هادی" و التماسهایش "علی" گریه اش می گیرد و می رود ... تا گریه معصومانه پسرش او را از رفتن باز ندارد ...

بی تابی هادی در شب شهادت پدرش

شبی که همسرم به شهادت رسید ، هادی نیمه شب با جیغ وحشتناکی بیدار شد .

من هراسان از جایم بلند شدم و تمام بدنش را برانداز کردم مبادا حشره ای او را گزیده باشد ، اما چیزی نبود .

تمام اهل خانه بیدار شدند و هر کدام برای آرام کردن "هادی" دست به کار شدند "هادی" به قدری گریه می کرد و روی زمین غلط می خورد که اشک از چشمانم جاری گشت .

او را به بیمارستان بردیم ، پزشکان وضعیت جسمی "هادی" را سالم تشخیص دادند اما هنوز گریه های او دلیلی نداشت .

بالاخره با آرام بخش به خواب رفت . چند روز بعد خبر آوردند که "علی" به شهادت رسیده است ، آن زمان فهمیدم که چرا "هادی" آرام و قرار نداشت و گریه می کرد ...

سرزمین عشق

چهل روز بعد از شهادتش جسداو را آوردند . همیشه آرزو می کرد شبیه امام حسین (ع) شهید شود .این آرزو تحقق یافت و زمانی که بر سر بالینش رفتم ، تمام کالبدم آتش گرفت ، مرد خانه ام سرنداشت .

بعد از مدتی گفتند که سر "علی" من در شلمچه دفن شده و نمی توانند آن را به بندرعباس بیاورند و حالا پیکر همسر مهربانم بدون سر است .

من در کربلای شهدای ایران ، جسم بی سر همسرم را به آغوش کشیدم تا به جهانیان ثابت کنم که سرزمین عشق اینجاست ...

سبزه ناز
SABZE NAZ
آدرس : چهارراه مرادی
به طرف میدان قدس جنب
بانک مسکن
تلفن : ۲۲۲۹۳۳۳

اهدای خون مستمر پیوند دهنده قلب ها و جان هاست
روابط عمومی سازمان انتقال خون استان هرمزگان